

## جایگاه حقوقی و حدود صلاحیت قوه قضاییه در رسیدگی به جرائم خرد خانوادگی

رکسانا بوعمار<sup>۱\*</sup>، عاطفه عباسی<sup>۲\*\*</sup>

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواهران، تهران، ایران  
۲. استادیار گروه حقوق خانواده، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۷

### چکیده

مطابق اصول ۳۶ و ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکم به مجازات و اجرای آن تنها از طریق دادگاه امکان‌پذیر بوده و مرجع رسمی رسیدگی به تظلمات و شکایات نیز دادگستری است، جرائم خانوادگی نیز از این حکم مستثنا نیست. پرسش این است که قانونگذار به صورت کلی این وظیفه را بر عهده قوه قضاییه نهاده است یا ناتوانی در تحقق عدالت عملی می‌تواند در جرائم «خرد و کم‌اهمیت خانوادگی»، عدول از این خصیصه را توجیه کند؟ روش مورد استفاده در این پژوهش به صورت اسنادی - کتابخانه‌ای و نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی است. در این نوشتار نخست سعی شده است با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی، ماهیت جرائم «خرد و کم‌اهمیت» با توجه به سابقه موجود در مقررات حقوقی تبیین شود و آنگاه پس از شناسایی ماهیت این جرائم، به آثار و نتایج عدول از قوه قضاییه در رسیدگی به جرائم خرد خانوادگی پرداخته شود. براساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت که تبیین چستی جرائم «خرد و کم‌اهمیت» گام نخست برای تعیین صلاحیت مراجع غیرقضایی در رسیدگی به این جرائم است؛ لیکن در قوانین و اسناد بالادستی تعریف مشخصی از جرائم خرد و ضوابط تشخیص این جرائم ارائه نشده است. افزون‌بر این به نظر می‌رسد وجود نهادهایی غیرقضایی در کنار قوه قضاییه جهت رسیدگی به جرائم خرد و کم‌اهمیت، منافاتی با اصول ۳۶ و ۱۵۹ قانون اساسی ندارد، زیرا این نهادها مکمل قوه قضاییه هستند و در راستای تحقق اهداف این قوه و کاهش آسیب‌های ناشی از تراکم پرونده‌های کیفری به‌ویژه در حوزه خانواده گام برداشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** اسناد بالادستی، اصل ۳۶ قانون اساسی، اصل ۱۵۹ قانون اساسی، جرائم خرد، جرائم خانوادگی، قضازدایی، میانجی‌گری کیفری.

\* Email: r.boazar@isuw.ac.ir

نویسنده مسئول

\*\* Email: atefehabbasi@isuw.ac.ir

### مقدمه

خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد جامعه، اهمیت بسزایی در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد و به‌تناسب مبانی فکری و اخلاقی جوامع مختلف، از حمایت‌های قانونی برخوردار است. قانونگذار نیز برای مقابله با جرائم خانوادگی ملزم به پیش‌بینی واکنش اجتماعی مناسب است. قضازدایی سازوکاری در جهت محدود ساختن صلاحیت دستگاه قضایی به نفع سایر نهادهای غیرقضایی و توزیع و تقسیم دعاوی کیفری به نظام‌های دیگر دولتی و جامعه مدنی است، به‌گونه‌ای که از ورود افراد به دستگاه قضایی و اطاله دادرسی جلوگیری می‌کند؛ بدین‌نحو که پرونده را از دستگاه قضایی منحرف می‌کند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۹۳) و جهت رسیدگی به جرائم از سایر مراجع مانند شوراهای حل اختلاف، واحدهای مشاوره، نهادهای صلح و سازش و... بهره می‌گیرد.

ضرورت انجام این پژوهش دایره‌دار این نکته مهم است که بهره‌مندی از دیدگاه‌های موجود در جرم‌شناسی که خارج کردن متهم از فرایند قضایی را پیشنهاد کرده‌اند، کمک مؤثری در بهبود مدیریت جرائم به‌ویژه جرائم خانوادگی و تحقق بیشتر عدالت با حفظ کیان خانواده و نیز کاهش تراکم پرونده‌های کیفری مربوط به جرائم خاص خانواده در دستگاه قضایی ایفا می‌کند. به همین سبب موضوع اصلی این پژوهش، بررسی جایگاه رسیدگی به جرائم خانوادگی در خارج از نهاد دادگستری علی‌رغم تصریح اصول ۳۶ و ۱۵۹ قانون اساسی بر مرجعیت دادگستری در رسیدگی به تظلم و شکایات است. به دیگر سخن، این پژوهش در پی پاسخگویی به پرسش چگونگی تحقق عدالت در رسیدگی به جرائم خرد خانوادگی نه کلیه جرائم از طریق رسیدگی به این جرائم در خارج از دادگستری است. با عنایت به ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده از سوی مقام معظم رهبری همزمان با اجرای قوانین برنامه ششم توسعه و احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، بررسی موضوع واجد نوآوری و ضرورت بوده و پرداختن به آن گام مؤثری در جهت تحقق اصل دهم قانون اساسی است که تاکنون با این نگاه پژوهشی صورت نگرفته است. در این پژوهش روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای-اسنادی است. در مقام تجزیه و تحلیل مطالب با توجه به موضوع و اهداف تحقیق، روش توصیفی - تحلیلی برگزیده شده است. با این توضیح که نخست اطلاعات توصیفی مرتبط با ماهیت جرائم خرد ارائه شده است تا تصویری روشن از مسئله به‌دست آید، سپس با تحلیل اطلاعات حاصله تلاش شده است تا چالش‌ها و نتایج موجود در خصوص این موضوع تحلیل و ارزیابی شود. از این‌رو این مقاله در سه قسمت اصلی ارائه شده است. در قسمت نخست

جایگاه مراجع غیرقضایی در قوانین و مقررات تبیین شده است؛ در قسمت دوم با توجه به قوانین موجود ماهیت جرائم خرد ضمن تطبیق با جرائم خاص خانوادگی بررسی شده و در قسمت دوم این نوشتار به نتایج عدول از قوه قضائیه در رسیدگی به جرائم خرد خانوادگی با تأکیدی بر اصول ۳۶ و ۱۵۹ قانون اساسی پرداخته شده است. در انتها نیز ضمن نتیجه‌گیری در قالب چند پیشنهاد مواردی در جهت تحقق سیاست قضازدایی با تأکید بر اصل ۱۰ قانون اساسی در خصوص جرائم خرد خانوادگی با توجه به واقعیات جامعه ایران بیان خواهد شد.

### ۱. جایگاه مراجع غیرقضایی در قوانین و مقررات ایران

طبق اصل ۱۵۹ قانون اساسی «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است». همچنین وفق اصل ۳۶ قانون اساسی حکم به مجازات و اجرای آن تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون امکان‌پذیر است. جرائم خانوادگی نیز از این حکم مستثنا نیستند. لیکن از آن‌جا که خانواده براساس اصل ۱۰ قانون مزبور، واحد بنیادین جامعه اسلامی بوده و کلیه قوانین و مقررات باید در راستای پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی تنظیم شود، ارتکاب جرائم خانواده از یک سو در ارتباط با نظام قضایی است و از سوی دیگر، ورود دستگاه قضایی در مقابله با برخی از این جرائم به‌ویژه جرائم خرد، اهداف و کارکردهای این نهاد را با چالش جدی مواجه می‌سازد. با توجه به همین چالش، در سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه خانواده، برنامه ششم توسعه و نیز حوزه قضایی بر لزوم قضازدایی از برخی جرائم به‌ویژه جرائم خانوادگی تأکید شده است؛ بنابراین بررسی قوانین موجود و سیاست‌های تدوین‌شده در خصوص اهمیت مراجع غیرقضایی در رسیدگی به جرائم خانوادگی بیانگر نیاز قوه قضائیه به مراجع غیرقضایی در رسیدگی به جرائم خرد و کم‌اهمیت است.

در اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «از آن‌جا که خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». بر این اساس، از نظر حقوقی، مراقبت و حمایت از خانواده تکلیفی قانونی است که در قوانین و اسناد بالادستی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین افراد جامعه، با دقت نظر فراوان ملحوظ شده است و این پرداختن به موضوع را دارای اهمیتی دوچندان می‌نماید.

با تصویب ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۹ و آیین‌نامه اجرایی آن گامی مهم در جهت تحقق قضازدایی برداشته شد و رسیدگی به پاره‌ای از دعاوی از جمله دعاوی خانوادگی به شوراهای حل اختلاف واگذار شد.

همچنین قانونگذار ایران در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ جلوه‌های قضازدایی از جمله میانجی‌گری کیفری<sup>۲</sup> را مورد توجه قرار داده، به‌گونه‌ای که ماده ۱ این قانون<sup>۳</sup> قواعد و مقررات حاکم بر میانجی‌گری و صلح میان طرفین را بخشی از تعریف و عناصر آیین دادرسی کیفری دانسته است.

این مهم در قوانین موضوعه به‌ویژه در حوزه حقوق کیفری خانواده مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. همچنین در اسناد بالادستی از جمله ماده ۱۱۳ و ۱۱۶ قانون برنامه ششم توسعه<sup>۴</sup> و ماده ۳۸ قانون احکام دائمی<sup>۵</sup> و سایر مقررات مرتبط در این برنامه‌ها و همچنین اسناد و چشم‌اندازهای تدوین‌شده برای رسیدن به اهداف مقرر در این برنامه‌ها، به‌روشنی قابل‌اصطیاد است. در طراحی و تنظیم سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در ۱۴۰۴ نیز در جهت تحقق آرمان‌ها و اصول اساسی توجه ویژه‌ای به نهاد خانواده شده و جامعه ایرانی جامعه‌ای توصیف شده است که «برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت قضایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب» باشد.

از جمله ویژگی‌هایی که برای جامعه ایرانی در این سند بیان شده است، جامعه برخوردار از نهاد مستحکم خانواده است. ضمن اینکه باید این موضوع را مدنظر داشت که قضازدایی از جرائم خانوادگی تأثیر شایانی استحکام خانواده خواهد داشت. سند مزبور صراحتاً به به‌کارگیری روش‌های غیررسمی در خصوص رسیدگی به جرائم خانوادگی اشاره نکرده است؛ اما به لحاظ محوریت قرار دادن این نهاد و تأکید بر استحکام آن این نتیجه مستفاد می‌شود که هرگونه اقدامی برای حفظ خانواده به‌طور همگانی باید به‌کار برده شود که از جمله این اقدامات به‌کارگیری سیاست قضازدایی است.

تأکید مقام معظم رهبری در بندهای ۹ و ۱۷ سیاست‌های کلی قضایی کشور بر استفاده از روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی و گسترش دادن نظام معاضدت توجه به این سیاست را دوچندان می‌کند. در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۸۲ و ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری نیز به برخی از جلوه‌های ورود مراجع غیرقضایی در رسیدگی به جرائم توجه شده است.

علاوه بر اسناد و قوانین مذکور در فصل پنجم منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران<sup>۶</sup> (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۳)، ذیل مواد ناظر بر حمایت قضایی از خانواده و زنان، به آموزش اعضای خانواده در جهت حل منطقی

مشکلات خود قبل از مراجعه به سازمان‌ها و مراجع قضایی و برخورداری از حق مراجعه به نهادهای شبه قضایی در نزد محاکم دادگستری در جهت حفظ اسرار، ایجاد صلح و سازش در خانواده و تسهیل در حل و فصل اختلافات تأکید شده است.

در منشور شورای فرهنگی اجتماعی زنان<sup>۷</sup> (مصوب ۱۳۸۴/۴/۷) مصوباتی با توجه به مبانی دینی با عنوان «اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن» وضع شده که یکی از محورهای این اهداف «حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل و فروپاشی آن» است.

افزون بر موارد ذکر شده، در سند مهندسی کشور نیز اقداماتی از مانند تقویت و حمایت از خدمات راهنمایی و مشاوره‌ای و مددکاری اجتماعی در سطح جامعه با رویکرد پیشگیری و کاهش جرم و توسعه بهداشت روانی و سلامت معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی مدنظر قرار داده شده است که در راستای اقدامات مشاوره‌ای مذکور، مشاوران می‌توانند نقش عمده‌ای در سوق دادن افراد در مراجعه به نهادهایی غیرقضایی قبل از توسل به مراجع قضایی ایفا کنند. در واقع قانونگذار با این رویکرد نوین به لحاظ تراکم بیش از حد جرائم خانوادگی در مراجع کیفری و ناکامی آن در حل و فصل جرائم مزبور، به قوه قضاییه اجازه داده است تا با ایجاد شوراهای حل اختلاف و گشودن باب مشارکت‌های مردمی، دادگستری را از وضع موجود یعنی افزایش حجم پرونده‌ها که انسداد تدریجی مراجع کیفری را به دنبال دارد، نجات دهد.

## ۲. ماهیت شناسی جرائم خرد و تطبیق با جرائم خانوادگی

در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، تعریفی از جرائم خرد و کم‌اهمیت ارائه نشده است، به گونه‌ای که چنین عنوانی در قوانین دیده نمی‌شود. اگرچه تعیین معیار برای تشخیص جرائم خرد در حقوق کیفری ایران موضوع پیچیده‌ای است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۲۵۹)، برای تشخیص و تعیین جرائم خرد راهی جز توسل به معیارها و ویژگی‌های این جرائم وجود ندارد. در غالب فرهنگ لغات حقوقی، جرم خرد عبارت است از «جرائمی که دارای مجازات حبس کمتر از یک سال یا جزای نقدی اندک هستند (نوروزی، ۱۳۸۴ [الف]: ۵۵). همچنین شیوع این جرائم به گونه‌ای است که تقریباً کلیه افراد جامعه در خلال زندگی روزمره خود به‌ویژه در کلان‌شهرها با این قبیل جرائم روبه‌رو هستند (جوانمرد، ۱۳۷۸: ۲۱). بر همین مبنا برخی نویسندگان حقوق دو معیار برای تشخیص جرائم خرد در حقوق کیفری ایران در نظر گرفته‌اند؛ نخست آنکه، جرائم خرد آن گروه از جرائم هستند که دارای مجازات حبس کوتاه‌مدت و یا جزای نقدی با مبالغ اندک‌اند؛ دیگر آنکه، جرائم خرد بیشتر در حوزه نظم عمومی زندگی در شهرها و به‌خصوص در کلان‌شهرها مورد توجه قرار می‌گیرد (نوروزی و جوانمرد، ۱۳۸۸: ۱۳۳).

از دیدگاه جرم‌شناسی، جرائم خرد رفتارهایی هستند که معمولاً با واکنش‌های اجتماعی روبه‌رو می‌شوند، زیرا قبح اجتماعی آن‌ها به‌حدی نیست که مردم، مرتکبان آن‌ها را مستحق مجازات‌های کیفری بدانند. به‌علاوه خسارات ناشی از این جرائم نیز چندان سنگین نیست، اما آنچه اهمیت این گروه از جرائم را روشن می‌سازد، حجم بالای آمار و کثرت تعداد ارتکاب آن‌هاست، بدین‌سان قانونگذار بر مبنای ضرورت و به دلایل متعدد برای آن‌ها مجازات کیفری تعیین می‌کند (نوروزی، ۱۳۸۴ [ب]: ۲۶۳). از نظر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و زیست‌شناسی، نظر به تأثیر هنگامت جرائم خرد در ظهور جرائم مهم، این جرائم جایگاه خاصی را به خود اختصاص می‌دهند، زیرا شیوع این جرائم زمینه و مقدمه بی‌قانونی و بی‌فرهنگی در جامعه را فراهم می‌سازد (آخوندی، ۱۳۷۸: ۱۷)، به‌گونه‌ای که پرداختن به این جرائم باعث ظهور تمهیدی تحت عنوان پنجره‌های شکسته<sup>۸</sup> با جلوه عملی تسامح صفر<sup>۹</sup> توسط نومحافظه کاران آمریکا شد (کاشفی اسماعیل زاده، ۱۳۸۴: ۲۵۵).

از دیدگاه حقوق کیفری ماهوی، قواعد مربوط به تشدید مجازات در اثر تکرار و تعدد در مورد بعضی از مجازات جرائم خرد وجود ندارد. مجازات آن‌ها شدید و خشن نیست. این جرائم کثیرالوقوع هستند و با زندگی روزمره افراد ارتباط مستقیم دارند. مقررات تکرار جرم در مورد آن‌ها رعایت نمی‌شود. معاونت در این جرائم مجازات ندارد؛ آثار تبعی ندارند؛ درخواست استرداد برای این‌گونه جرائم پذیرفته نیست؛ قاعده جمع مجازات‌ها در مورد این جرائم اجرا می‌شود؛ عنصر معنوی در این جرائم لحاظ نمی‌شود و اکثر این جرائم جنبه مادی دارند؛ مدت مرر زمان در این جرائم کمتر از سایر جرائم است. از دیدگاه حقوق کیفری شکلی نیز رسیدگی به این جرائم معمولاً بدون تشریفات و با سرعت انجام می‌گیرد. تحقیقات مقدماتی برخی از جرائم خرد توسط پلیس یا مدیر دفتر دادگاه انجام می‌گیرد و در برخی موارد (جرائم خلافی) جرائم خرد نیاز به تحقیقات مقدماتی ندارند. جرائم خرد در برخی موارد تجدیدنظرخواهی ندارند و حکم صادره قطعی است (آخوندی، ۱۳۷۸: ۱۴). افزون‌بر این جرائم خرد واجد تمام عناصر و شرایط یک جرم هستند، البته عنصر معنوی در غالب این جرائم منتفی است (باهری، ۱۳۸۱: ۵۱).

شایان ذکر است که جرائم حدود، قصاص و دیات در حوزه خانواده را نمی‌توان با معیارها و مشخصات جرائم خرد منطبق ساخت و به جرائم تعزیری خانوادگی بسنده شده است. به‌طورکلی، برخی جرائم علیه خانواده را به دو دسته عام و خاص تقسیم کرده‌اند (اسدی، ۱۳۹۶: ۲۵)؛ جرائم عام، جرائمی است که اغلب در محیط خانواده رخ می‌دهند، اما مختص حوزه خانواده نیستند؛ بلکه به‌طور عموم در کلیه حوزه‌ها محقق می‌شوند، مانند کودک‌آزاری،

قتل در فراش، قذف فرزند توسط پدر یا جد پدری، سرقت زوجین از یکدیگر، سقط جنین، خشونت خانگی و غیر ذلک. جرائم خاص، جرائمی است که تنها در حوزه خانواده رخ می‌دهند. قانونگذار ایران مواد ۶۴۲ تا ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ را به جرائم علیه حقوق و تکالیف خانوادگی اختصاص داد. همچنین قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مباحث کیفری مربوط به خانواده را جمع‌آوری کرد و در فصل هفتم ذیل عنوان مقررات کیفری گنجانده؛ لیکن متعرض برخی جرائم از جمله جرائم ازدواج با زن شوهردار یا در عده و فریب در نکاح، موضوع مواد ۶۴۳، ۶۴۴ و ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ نشده است.

تفحص در برخی قوانین کیفری از جمله قوانین مربوط به حقوق خانواده نظیر قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بخش تعزیرات نشان می‌دهد که واکنش قانونگذار در خصوص برخی جرائم خانوادگی با سایر آن‌ها متفاوت است، به‌گونه‌ای که گزینه آسان‌تر و سریع‌تری را در مورد این جرائم برگزیده است. البته این واقعیت را نباید فراموش کرد که در حوزه جرائم خاص خانوادگی بعضی از این جرائم از قبیل جرم ازدواج با دختر زیر سن نکاح (۱۳ سال) به شرط تحقق واقعه، و ورود آسیب جسمانی به کودک و ازدواج با زن شوهردار یا در عده، نظر به اینکه از جرائم مهم و پیچیده‌اند، نمی‌توان منطبق با جرائم خرد دانست و سیاست قضازدایی را در مورد آن‌ها به‌کار بست.

بدین‌سان با توجه به معیارهایی مانند حبس کمتر از یک سال و جزای نقدی اندک، می‌توان جرائم خرد خانوادگی را تبیین کرد. به‌عبارت دیگر جرائم درجه ۷ و ۸ که مستلزم حبس کمتر از یک سال و جزای نقدی هستند، می‌توانند منطبق با معیارهای مذکور برای تعیین جرائم خرد قرار گیرند. بر این اساس جرائم انکار یا ادعای زوجیت، ترک نفقه زوجه، عدم ارائه گواهی سلامت یا تقلب از سوی پزشک در آن، ثبت غیرقانونی ازدواج یا طلاق بدون مجوز قانونی از سوی سردفتر، عدم ثبت واقعه ازدواج، طلاق و رجوع، عدم رعایت مقررات مربوط به حضانت و ملاقات طفل و عدم استرداد طفل می‌توانند منطبق با معیارهای جرائم خرد به‌شمار آیند.

از طرف دیگر مطابق با ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ علاوه بر جرائم مذکور که منطبق با معیارهای جرائم خرد هستند، در جرائم ازدواج با دختر زیر سن نکاح بدون واقعه، فریب در نکاح، مباشرت در ازدواج با زن شوهردار یا در عده، ربودن طفل تازه متولدشده، رها کردن طفل یا افراد نیازمند حمایت (والدین و معلولان)، که دارای حبس تعزیری و جزای نقدی درجه ۶ هستند، به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی می‌توان برای تحصیل گذشت یا جبران خسارت ناشی از جرم به متهم مهلت داد یا

برای حصول سازش با موافقت طرفین موضوع را به شورای حل اختلاف یا میانجی‌گری ارجاع کرد. البته باید متذکر شد که کلیه جرائم خانوادگی اعم از خرد و کلان را در صورتی می‌توان به مراجع غیرقضایی ارجاع کرد که مستلزم تجری افراد و تکرار جرم نباشد یا از حد درون‌خانوادگی خارج نشود. در غیر این صورت ضرورت تشکیل پرونده در چرخه قضایی طبق اصل ۱۵۹ تبیین می‌شود و حسب موضوع جرم و مطابق با اصل ۳۶ قانون اساسی در دادگاه صالح به جرم رسیدگی می‌شود.

### ۳. نتایج عدول از قوه قضاییه در رسیدگی به جرائم خرد خانوادگی با تأکید بر اصول ۳۶ و ۱۵۹ قانون اساسی

#### ۳-۱. استحکام بنیان خانواده

در سنجش هزینه‌های ناشی از تراکم پرونده‌های قضایی در روابط خانوادگی، آنچه بیش از کاهش هزینه‌های اقتصادی برای دولت و جامعه مطرح است، پیشگیری از تزلزل خانواده است؛ نتیجه‌ای که اگر حادث شود، با هیچ هزینه‌ای قابل ترمیم و جبران نیست. ورود نظامی سرکوبگر و قهرآمیز به روابط اعضای خانواده که باید بر پایه محبت و احترام باشد، می‌تواند صحت ارتباط را مختل کند و به عناد بیشتر و فروپاشی آن بینجامد. این نوع تأثیر در جرائم مرتبط با خانواده، از آن جهت که هدف اولیه، استحکام روابط اعضای آن است، نمود بیشتری پیدا می‌کند. تعهدات دولت‌ها در زمینه حفظ و صیانت از خانواده مطابق با قواعد بین‌المللی عرفی و قراردادی حقوق بشر در سه محور احترام به خانواده، حمایت از آن و موفقیت در اجرا قابل ارزیابی است. در توضیح این سه محور گفته شده است که «تعهد به احترام، عبارت است از خودداری از مداخله مستقیم یا غیرمستقیم دولت در خانواده، تعهد به حمایت، عبارت است از جلوگیری از مداخله حقوق بشر به‌ویژه حقوق خانواده؛ تعهد به اجرا؛ یعنی تعهد به اتخاذ و اجرای تدابیر تقنینی و قضایی». در کانون خانواده، ضرورت تحکیم خانواده و ارتباط بعدی بزه‌دیده و بزه‌کار ایجاد می‌کند که در جرائم خانوادگی از ورود افراد در دستگاه عدالت کیفری جلوگیری به‌عمل آید. حضور آنان در این مراجع نه تنها جبران خسارت و ترمیم صدمات وارده به بزه‌دیده نمی‌شود، بلکه آنان را از حمایت ناقصی که پیش از بزه‌دیدگی از جانب خانواده و جامعه داشته‌اند نیز محروم می‌سازد؛ به عبارتی این مراجع نه تنها استحکام خانواده را تضمین نمی‌کنند، بلکه پیامدهایی چون افزایش آمار بزه‌دیدگی زنان به جهت عدم همخوانی با ماهیت حقوق کیفری خانواده (تکمیلی بودن نه آمره بودن) و کودکان را به دنبال دارند (اسدی، ۱۳۹۶: ۹۸)، برای مثال در جرم ترک انفاق، حضور زن در دستگاه عدالت کیفری مورد پسند عرف نیست و چنین زنی افزون‌بر اینکه مورد شماتت عرف قرار می‌گیرد، با نشان دادن



بی‌اعتمادی خود نسبت به شوهر، زمینه برقراری روابط عاطفی با او را تضعیف می‌کند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه خطر ازهم‌پاشیدگی خانواده در دعوی کیفری بیشتر است و مراجع قضایی کیفری که به کلیه جرائم از خرد و کلان رسیدگی می‌کند، مکانی برای رفت‌وآمد مرتکبان از انواع جرائم هستند، از این رو مراجع مزبور همواره می‌توانند استحکام خانواده را تهدید کنند.

### ۲-۳. کاهش آسیب‌های روانی کودکان

تغییر مسیر از تشریفات رسمی محاکمه در جرائم خانوادگی به سمت روش‌های غیررسمی دیگر، یکی از جنبه‌های ارتقا و بهبود رفاه کودکان و تأمین منافع عالیه آنان (Lundman, ۵۲۲) است؛ زیرا موجب اجتناب از تأثیر منفی رسیدگی و دادرسی کیفری می‌شود. کودکان در جرائم خانوادگی نیازمند درجات بیشتری از حمایت هستند، زیرا روبه‌روی آنان با دستگاه عریض و طویل قضایی، ممکن است آثار نامطلوبی را در روحیه آنان بر جای بگذارد و روند اصلاح و تربیت آنان را به تعویق اندازد. قضا‌زدایی و سیاست دور کردن اطفال از روند جریان دادرسی، به‌واسطه پرهیز از تماس کودکان با دستگاه قضایی، اهداف و روش‌های خاص اصلاح و تربیت و درمان را به‌گونه‌ای مطلوب به اجرا درمی‌آورد. بدین سبب امروزه تمامی سیستم‌های دادرسی نوین نوجوانان برآن‌اند، تمهیداتی را اتخاذ کنند که تا حد امکان کودک مواجهه با دادگاه و قاضی نشود. تغییر مسیر از تشریفات رسمی محاکمه به سمت روش‌های غیررسمی دیگر، یکی از جنبه‌های ارتقای پیشرفت و بهبود رفاه کودکان است، زیرا موجب اجتناب از تأثیر منفی رسیدگی و دادرسی کیفری بر کودکان می‌شود و کودک از برچسب‌زنی به دور می‌ماند (فروغی‌فر، ۱۳۸۶: ۱۸۹). همچنین زمینه‌ای فراهم می‌شود که از بازداشت و حبس والدین و سرپرستان کودک پرهیز شود (ابراهیمی و رکیانی، ۱۳۸۹: ۴۹).

در جرائم خاص خانوادگی، کودکان گاهی بزه‌دیده مستقیم جرم هستند و گاهی بزه‌دیده غیرمستقیم جرم قرار می‌گیرند. با این توضیح که در جرائمی مانند ازدواج با دختر زیر سن نکاح، ربودن طفل تازه متولدشده و جرائم مربوط به عدم رعایت مقررات مربوط به حضانت و ملاقات طفل و عدم استرداد طفل، بزه‌دیده اصلی کودک است و در جرائمی مانند انکار یا ادعای زوجیت و فریب در ازدواج که اغلب منتهی به طلاق و محکومیت والدین یا به عبارتی خوردن برچسب مجرمانه بر والدین می‌گردند؛ کودکان به‌عنوان بزه‌دیده فرعی باید آماج آسیب‌های روانی و معنوی را متحمل شوند و از سوی دیگر از حمایت عاطفی اعضای خانواده محروم گردند. بدین ترتیب عدم مواجهه با مراجع آسیب‌زا برای کودکان جهت پاسخ به جرائم خانوادگی، به‌عنوان یک اصل مطلوب و حمایتی باید بیشتر موردنظر باشد (اسدی، ۱۳۹۶: ۹۲).

### ۳-۳. کاهش آمار پرونده‌ها

با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در حال حاضر گریبانگیر نظام قضایی موجود است، تراکم پرونده‌های کیفری در دادگستری است، اتخاذ تدابیری که از وارد شدن پرونده‌های کم‌اهمیت به محاکم دادگستری جلوگیری به عمل آورد، ضروری است. سازوکارهای قضازدایی که یا از همان ابتدا می‌توانند از ورود پرونده‌ها به دستگاه عدالت کیفری جلوگیری کرده یا پرونده را در مرحله تعقیب و دادرسی از محدوده نظام کیفری خارج سازند، یکی از راه‌های کاستن از بار دعاوی هستند؛ از این رو از آمار پرونده‌های موجود کاسته شده است (موسی‌زاده مرکیه، ۱۳۹۶: ۹). بدین ترتیب دستگاه عدالت کیفری به جرائم واجد اهمیت بیشتر رسیدگی خواهد کرد و در نتیجه از حجم دعاوی در دستگاه قضایی کاسته شده و بستر افزایش کیفیت رسیدگی‌ها فراهم می‌شود.

### ۳-۴. کاهش بار مالی دولت

استفاده از روش‌های مصالحه بیرون از دادگاه، برای نظام عدالت کیفری سود (به‌ویژه اقتصادی) بسیاری دارد، زیرا در غیر این صورت نظام کیفری ناچار است هزینه‌های هنگفتی را صرف نظارت و نگهداری مجرمان برای اصلاح و بازسازی آنان کند. امروزه تئوری مذاکره و مصالحه خارج از دادگاه، کم‌هزینه‌ترین وسیله در تمامی زمینه‌ها چه در عالم اقتصاد و چه در عالم سیاست و چه در امور خانوادگی است. استفاده از مصادیق قضازدایی از جمله شوراهای حل اختلاف موجب می‌شود که تعامل مثبتی بین هزینه و اعتبار قوه قضاییه به وجود آید و سرمایه قوه قضاییه در حوزه‌های ساختاری آموزش، اصلاح قانون و بهبود فرایند کار، به کار گرفته شود (امینی، ۱۳۹۷: ۵۲؛ ورزلی، ۱۳۸۸: ۱۲).

بی‌تردید با ساماندهی و اجرای درست سازوکارهای قضازدایی که بخش عمده آن‌ها با مشارکت مردم، فعالان حقوقی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی (معاضدت حقوقی) صورت می‌گیرد، از یک سو هزینه‌های دولت و دستگاه قضایی کاهش می‌یابد و از دیگر سو می‌توان ادعا کرد با افزایش هزینه و گسترش مراکز قضایی، استخدام قضات و ... در توسعه این سازوکارها، به نتایج بهتر و علمی‌تری می‌توان دست یافت (مقدادی، ۱۳۹۷: ۱۱۷). افزون‌بر این چون در مراجع غیرقضایی هدف مصالحه و سازش و رفع اختلاف است، از اعمال فشارهای مادی بر دستگاه قضایی جلوگیری شده و سبب می‌شود ضمن صرفه‌جویی از بار دادگستری کاسته شده و به سایر نهادها واگذار شود.

### ۳-۵. کاهش جمعیت کیفری زندانیان

امروزه سیاست کاهش جمعیت کیفری زندانیان یکی از اولویت‌های کشورهای مختلف دنیا از جمله ایران است. تأثیر زندان در اصلاح و بازسازی بزهکاران، اندک و محدود ولی مفاسد، مشکلات، عوارض منفی و هزینه‌های آن بسیار زیاد بوده است؛ به گونه‌ای که کثرت زندانیان نشانه ضعف سیاست و مدیریت نظام سیاسی جامعه و چه بسا موجب سقوط آن خواهد بود. تعارض زندان با اصل شخصی بودن مجازات‌ها یکی از آثار و مشکلات مجازات زندان دانسته شده است، زیرا زندان افزون‌بر محکوم، بر همسر، خانواده و نزدیکان او نیز تأثیرات سوئی دارد و نه تنها آن‌ها را از سرپرستی خانواده و پشتیبانی مالی او محروم می‌کند، بلکه در بسیاری از موارد بار تحمل هزینه‌ها وارونه می‌شود و زن و فرزند زندانی باید بار هزینه‌های هنگفت را متحمل شوند. بدین ترتیب می‌توان گفت در برخی موارد زندان، دارویی بدتر از درد است. افزون‌بر این آثار روانی نامطلوب زندان بر زندانی در مصاحبه‌هایی که با زندانیان صورت گرفته است، مؤید تبعات جبران‌ناپذیر این نهاد است (عبدی، ۱۳۷۷: ۱۸۲).

از نظر شریعت اسلام نیز زندان از آخرین راهکارهای کیفری محسوب می‌شود (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰: ۵۴۴؛ طباطبایی ۱۴۱۸ق، ج ۱۶: ۶۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰: ۴۸؛ حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۲۸: ۱۶۳). مقدمه لازم در عرصه کاهش جمعیت کیفری زندانیان و کاستن معایب زندان، نهادینه ساختن مؤلفه‌های سیاست قضازدایی، از جمله سیاست‌های سازش و میانجی‌گری در جامعه، با برخورداری از سازوکارهای ساختاری لازم در این زمینه در رابطه با جرائم خرد خانوادگی است. از این رو از آن‌جا که مصادیق قضازدایی در جهت اعمال مجازات و تحمیل کیفر نیستند و سعی در مصالحه و سازش دارند، در صورت موفقیت در این مسیر از حضور افراد در زندان ممانعت می‌کنند و بدین ترتیب سبب کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها خواهند شد (منصورآبادی، ۱۳۸۹، ش ۱۵: ۲۴-۲۵؛ دلماس مارتی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۳۳-۳۶).

### ۳-۶. تعادل میان اصل قضا مندی و قضازدایی

اصل قضا مندی مجازات‌ها یا به تعبیر برخی حقوقدانان اصل قضایی بودن مجازات‌ها به معنای لزوم دخالت مقام صلاحیت‌دار قضایی در حکم به مجازات و اجرای آن و ممنوعیت مداخله افراد خودسر و فاقد صلاحیت قانونی لازم، از اصول سازگار با موازین فقهی و مورد تأکید آموزه‌های دینی است (دلماس مارتی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۶۱). ضرورت عملی بحث در این باره از آن‌روست که اصول ۳۶ و ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صلاحیت حکم به مجازات و اجرای آن را در انحصار دادگاه قانونی دانسته است. ماده ۱۵۹ قانون مزبور نیز مرجع رسمی تظلمات و شکایات را دادگستری می‌داند. اما وجود مضامین و متون قانونی مبنی بر مداخلات مراجع غیرقضایی و تشویق به مصالحه و سازش در قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲ و قوانین موضوعه دیگر تداپی گر آن است که اصل قضامندی مجازات‌ها به‌خودی‌خود، واگذاری صلاحیت رسیدگی به برخی تخلفات و جرائم را به نهادهای اداری و غیرقضایی خارج از دستگاه قضایی نفی نمی‌کند، البته تا زمانی که رسیدگی‌های مزبور، قانونی و برخوردار از اصول، ضوابط و تضمین‌های مناسب برای متهم و محکوم باشند. پس شناسایی اصل قضامندی مجازات‌ها، به‌خودی‌خود با نهادهایی مانند شوراهای حل اختلاف منافات ندارد، هرچند گوهر و ماهیت این اصل همچنان که بر نفی مداخله‌های خودسرانه در حکم به مجازات و اجرای آن تأکید دارد، پرهیز از توسعه صلاحیت نهادهای غیرقضایی بدون ضابطه را هم توصیه می‌کند. از این رو امروزه با شناسایی مفهوم «قلمرو کیفری» تلاش می‌شود تا اصول و قواعد دادرسی عادلانه به رسیدگی‌های اداری و مراجع غیر دادگستری هم تعمیم داده شود (یاوری، ۱۳۸۸، ش ۴۹: ۳۲۱؛ بابایی و مهدوی، ۱۳۹۱، ش ۳: ۱۰۱). بنابراین این مراجع در صورت برخوردار از ضوابط مشخص، نه تنها منافاتی با اصل قضامندی قضاوت‌ها ندارند، بلکه همسو با این اصل هستند، زیرا از یک طرف مایه برقراری نظم و انضباط اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری می‌باشند، زیرا نظام عدالت کیفری با بهره‌گیری از برنامه‌ها و سازوکارهای قضاودایی که دیدگاه‌ها و انگیزه‌های انسانی را تبلیغ می‌کنند و به متهم به‌عنوان موجودی دارای کرامت، قابلیت، استعداد، شخصیت و منزلت انسانی می‌نگرند (امینی، ۱۳۹۷: ۵۵) و از سوی دیگر، زمینه‌ساز رعایت حقوق متهمان در برخوردار از محاکمه عادلانه و استقرار امنیت قضایی شهروندان هستند.

### نتیجه‌گیری

از مطالب گفته‌شده موارد زیر به‌عنوان نتایج پژوهش ارائه می‌شود:

۱. به نظر می‌رسد وجود نهادهایی غیرقضایی در کنار قوه قضاییه جهت رسیدگی به جرائم خرد و کم‌اهمیت منافاتی با اصول ۳۶ و ۱۵۹ قانون اساسی ندارد، زیرا این نهادها مکمل قوه قضاییه هستند و در راستای تحقق اهداف این قوه و کاهش آسیب‌های ناشی از تراکم پرونده‌های کیفری به‌ویژه در حوزه خانواده گام برداشته‌اند. به عبارت دیگر واگذاری امر رسیدگی قضایی به مرجع غیررسمی و غیردادگستری به معنی نفی قاعده عام و رسمی بودن دادگستری به‌عنوان مرجع تظلمات نیست، بلکه به این معناست که اشخاص در جرائم خرد به‌ویژه جرائم خرد خانوادگی، مکلف باشند قبل از مراجعه به دادگستری به مرجع دیگری که عاری از مشکلات مراجع کیفری است، مراجعه کنند و سپس در صورت ناتوانی این مراجع در تحقق عدالت و حل و فصل خصومت، نظر به مرجع عام و رسمی بودن دادگستری به محاکم قضایی،

تظلم خواهی کنند و این همان معنای نسبی مفهوم قضا زدایی است، زیرا قضا زدایی مطلق در مفهوم تعطیل نهاد دادرسی و دادگستری و مغایر با قانون اساسی است.

۲. عدالت جزایی این گونه نیست که با تمامی جرائم برخورد یکسان شود بلکه باید سیاست افتراقی در رابطه با جرائم کلان و خرد در پیش گرفته شود. بدیهی است که تحقق این امر در رابطه با جرائم خرد خانوادگی نمود بیشتری پیدا می کند.

۳. در حوزه جرائم خانواده به لحاظ آثار وارد بر جامعه و افراد، شخصیت مرتکب و پیشینه خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی او و یا ارتکاب جرم برای اولین بار، گذشت بزه دیده و یا توافق او بر مذاکره با بزه کار و دستیابی به راه حل های مناسب، مذاکره دوطرفه بزه کار و بزه دیده با یکدیگر از رهگذر شوراهای حل اختلاف و میانجی گری یا به عبارت دیگر وساطت افراد محلی با حضور آشنایان و دوستان آنها و نزدیک کردن خواسته ها و دیدگاه هایشان به یکدیگر، بهترین شیوه حل اختلاف های به وجود آمده با نتیجه متبته شدن بزه کار و رسیدن بزه دیده به خواسته های معقول خود و از همه مهم تر حفظ امنیت روانی بزه دیده و اعضای دیگر خانواده به ویژه کودکان در اثر جرم ارتكابی است.

۴. اعمال سیاست قضا زدایی در خصوص جرائم خرد خانوادگی با استفاده از راهکارهای میانجی گری کیفری، گذشت و چشم پوشی و معاضدت با سابقه فقهی می تواند به کاهش حجم پرونده ها، کاهش آمار جنایی، کاهش بار مالی دولت متعاقب عدم طرح دعوا در دادگستری و نیز تعادل میان اصل قضا مندی و قضا زدایی و سرانجام افزایش ضریب اعتماد عمومی نسبت به قوه قضاییه و به موازات آن استحکام خانواده و کاهش آسیب های روانی کودکان بینجامد و در صورتی که مراجع مزبور با برخورداری از اصول و ضوابط مشخص و با نظارت دستگاه عدالت رسمی به عنوان مرجع عالی در راستای مصالحه و سازش گام بردارند، دستیابی به آثار مذکور امری غیر ممکن نخواهد بود. البته انجام این تکلیف، مقطعی و گذرا نیست، بلکه نیازمند برنامه ریزی های همه جانبه، بلندمدت و پیگیر است و تمامی سازمان ها و ادارات دولتی و حتی غیردولتی که به نحوی با امور خانواده ارتباط دارند، باید در اقدامات و برنامه ریزی های خود این مهم را در نظر بگیرند و در راستای پاسداری از کیان خانواده و استواری آن گام بردارند. دادگستری نیز به عنوان یکی از ارگان هایی که در امور راجع به خانواده ذی مدخل است، همگام و هماهنگ با سایر مراجع در اقدامات خود باید پاسداری و حفاظت از کیان خانواده را سرلوحه قرار دهد. بنابراین در این زمینه موارد ذیل پیشنهاد می شود:

۱. از آن جا که هر رویکردی، تشکیلات و ساختار خاص خود را می طلبد، تحقق قضا زدایی و کاهش آمار پرونده های قضایی مربوط به جرائم خانوادگی نیازمند تشکیلات و ساختاری است

که امکان آن را فراهم کند. از این رو ایجاد شوراهای حل اختلاف خانواده یا تخصیص شعبی از شوراهای حل اختلاف عمومی جهت رسیدگی به جرائم خرد خانوادگی پیشنهاد می‌شود. همچنین در مصادیق توافق بین طرفین دعوی کیفری خانوادگی نباید از نقش نهاد قضایی غافل ماند؛ قاضی می‌تواند تسهیل‌کننده روند مصالحه باشد و پیش‌بینی تشکیلات میانجی‌گری در دادرسی رسیدگی‌کننده به جرائم مرتبط با خانواده در کنار قاضی متخصص می‌تواند مذاکرات اصلاحی را با موفقیت مواجه سازد.

۲. همان‌گونه که داده‌های پژوهش نشان داد، در اسناد فرادستی سیاست قضازدایی در رابطه با دعوی خانوادگی ملموس‌تر از دعوی دیگر است. از این رو پیشنهاد می‌شود دستگاه‌های اجرایی جدیت لازم و اهتمام کافی را در عمل به نقش‌ها و تکالیف قانونی مندرج در اسناد فرادستی در جهت قضازدایی و کاهش روند تشکیل پرونده‌های کیفری خانوادگی اتخاذ کنند.

۳. به دلیل اصل غیرقابل گذشت بودن جرائم و عدم احصای جرائم خانوادگی در زمره جرائم قابل گذشت، کلیه جرائم خانوادگی به جز جرم ترک انفاق واجد جنبه غیرقابل گذشت‌اند، پیشنهاد می‌شود قانونگذار با اعطای ماهیت دوگانه به این جرائم، مقدمه به‌کارگیری سازوکارهای قضازدایی را راجع به این جرائم فراهم سازد.

۴. اگرچه استفاده از پتانسیل مردم در شوراهای حل اختلاف ضروری است، پیشنهاد می‌شود به قدر لزوم از متخصصان مربوطه از جمله قضات، وکلا بازنشسته یا اساتید دانشگاه‌ها استفاده شود، همچنین از تجربیات کشورهای موفق در این زمینه استفاده شود.

۵. پیشنهاد می‌شود نظر به پرهیز از هرگونه تهاوت در آرا، با انجام تحقیقاتی معنا و مصادیق «دعوی خرد و سبک» روشن و سپس از دعوی خرد کیفری تعریف صریحی در اصلاحات قانون آیین دادرسی کیفری صورت گیرد.

۶. پیشنهاد می‌شود نظر به اصل ۱۰ قانون اساسی و حکم مندرج در آن مبنی بر پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی با تقدیم لوایح قضایی جهت کاهش پرونده‌های کیفری و استفاده از نهادهای غیرقضایی جهت حل اختلافات به‌ویژه جرائم خرد خانوادگی، ارجاع به میانجی‌گری و حمایت از نهادهای غیرقضایی در دستور کار دستگاه قضایی قرار گیرد.

۷. رسیدگی در مراجع غیرقضایی باید همراه با رعایت حقوق مسلم متهم در کلیه مراحل دادرسی باشد، در غیر این صورت علاوه بر نقض اصول بنیادین حقوق اساسی و عدالت کیفری با سپردن سرنوشت متهم به مرجع غیرقضایی، موجبات تضییع حقوق متهم فراهم خواهد شد؛

بنابراین تدوین ضوابط ناظر بر تضمین رعایت حقوق دفاعی متهم توسط این مراجع و همچنین حدود صلاحیت آن‌ها در قوانین کشور پیشنهاد می‌شود.

۷. در پایان پیشنهاد می‌شود بنابر آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری ابلاغی در تاریخ ۹۴/۹/۸، مؤسسات ویژه میانجی‌گری به‌منظور حل و فصل جرائم خانوادگی، مطابق با شرایط مذکور در فصل چهارم آیین‌نامه مذکور با نظارت قوه قضائیه ایجاد شود.

## یادداشت‌ها

### 1. Petty offense

۲. ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین مناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم دهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد».

۳. ماده ۱ آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطین دادگستری، رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع شده است».

۴. ماده ۱۱۳ قانون احکام دائمی: «در راستای تحقق عدالت قضایی و ارتقای کیفیت و کاهش اطاله دادرسی و کاهش ورودی پرونده‌ها و پیشگیری از وقوع جرائم و دعاوی، سازمان بهزیستی کشور مکلف است در راستای تحکیم نهاد خانواده نسبت به ارائه خدمات مشاوره‌ای رایگان برای افراد فاقد تمکن مالی اقدام لازم را به عمل آورد». ماده ۱۱۶ این قانون: «در راستای کاهش مراجعات مردمی به دستگاه قضایی و تسریع در حل و فصل مسائل قضایی بحث ایجاد و توسعه نهاد داوری، افزایش حل و فصل اختلاف از طریق داوری و ایجاد اعتماد، مورد توجه قرار گیرد». ماده ۱۱۷ قانون مزبور:

۵. ماده ۳۸ قانون احکام دائمی: «قوه قضاییه مکلف است نسبت به تنقیح، اصلاح و رفع خلأهای قوانین قضایی با رویکرد پیشگیری از وقوع جرم و اختلاف، کاهش عناوین مجرمانه و محکومیت حبس و تبدیل آن به مجازات‌های دیگر و متناسب‌سازی مجازات‌ها و جرائم، جایگزین کردن ضمانت اجرای غیرکیفری مؤثر و روزآمد از قبیل انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی اقدام و لوایح مورد نیاز را تهیه و از طریق دولت با رعایت قانون تدوین و تنقیح و مقررات کشور مصوب ۲۵/۳/۱۳۹۸ به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند».

۶. بند ۱۳۳ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان: «حق برخورداری از محاکم خاص خانواده در جهت حفظ اسرار، ایجاد صلح و سازش در خانواده و تسهیل در حل و فصل اختلافات».

۷. منشور شورای فرهنگی-اجتماعی زنان: «اهداف یادشده در ۷ محور به شرح زیر تصویب گردیده است: ... ۲- حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل و فروپاشی آن؛ ...».

### 8. Broken windows theory

۹ به نظر عده‌ای تسامح صفر به معنای اجرای قانون به روش خشونت‌بار و منسجم، بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه اغماض است (Dixon, ۲۰۰۳: ۲۲۱). راهبرد تسامح صفر متأثر از نظریه فایده‌گرایی ژرمی بنتام است. بنتام عقیده داشت: «هر فرد، حتی به‌طور ناخودآگاه، بنابر محاسبه خوبی (نفع لذت) و بدی (رنج و ناراحتی) حاصل از کردار خود، امور خویش را اراده می‌کند و اگر دریابد که نتیجه عملی که از آن سود می‌برد کیفر خواهد بود، در این صورت آن اندیشه با نوعی قدرت وی را از ارتکاب آن عمل بازمی‌دارد» (پرادل، ۱۳۸۱: ۶۵).



## منابع

### الف: فارسی و عربی

قرآن کریم.

۱. آخوندی، محمود (۱۳۷۸)، «نگرش قوه قضاییه به جریان خرد»، مجموعه مقالات بیست و یکمین دوره بین‌المللی عالی تخصصی نیروهای پلیس اصفهان.
۲. ابراهیمی ورکیانی، فاطمه (۱۳۸۹)، حق دادرسی منصفانه کودکان در تعارض با قانون، با دیباچه شهلا معظمی، تهران: جاودانه، جنگل.
۳. امینی، محمد (۱۳۹۷)، قضازدایی و جایگاه آن در نظام کیفری ایران، تهران: چ اول.
۴. بابایی، محمدعلی؛ مهدوی، داور (۱۳۹۱)، «قلمرو کیفری و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۳.
۵. باهری، محمد (۱۳۸۱)، حقوق جزای عمومی (تقریرات)، تهران: رهام، چ اول.
۶. پرادل، ژان (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: سمت، چ اول.
۷. پرستش، رضا؛ موسی‌زاده مرکیه، شهاب‌الدین (۱۳۹۷)، «تحول سیاست جنایی قضایی در پرتو رویکرد فرهنگی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۱۷.
۸. جوانمرد، بهروز (۱۳۸۷)، «تعامل سازمان پلیس و دستگاه قضایی ایران در زمینه پیشگیری از جرائم خرد»، اولین همایش ملی پیشگیری از جرم، مرکز همایش‌های بین‌المللی برج میلاد.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۲)، وسایل الشیعه الی تحصیل الشریعه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۱۸.
۱۰. دل‌ماس مارتی، می ری (۱۳۸۱)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
۱۱. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱)، «تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۴۱.
۱۲. طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، مؤسسه نشر اسلامی، قم: چ اول.
۱۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ سوم.

۱۴. عباسی، مصطفی (۱۳۸۲)، افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجی‌گری کیفری، محل انتشار انتشارات دانشور.
۱۵. عبدی، عباس (۱۳۷۷)، تأثیر زندان بر زندانی (آسیب‌شناسی اجتماعی)، محل انتشار مؤسسه تحقیقاتی و انتشارات نور.
۱۶. فاضل‌هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ اول.
۱۷. فروغی‌فر، جواد (۱۳۸۶)، «نقش قضاودایی در کاهش جمعیت کیفری زندان»، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران: میزان.
۱۸. کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۴)، «جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی: علل و جلوه‌ها»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال پنجم، ش ۱۵-۱۶.
۱۹. مقدادی، محمدهادی (۱۳۹۶)، «ضرورت تحول معاضدت حقوقی در جمهوری اسلامی ایران و فواید آن»، فصلنامه تخصصی دین و قانون، ش ۱۴.
۲۰. منصورآبادی، عباس؛ کونانی، سلمان (۱۳۸۹)، «بستر مجازات‌های جامعه مدار با تأکید بر رویکرد سیاست جنایی ایران»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۱۵.
۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۲)، «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۹ و ۱۰.
۲۲. ----- (۱۳۹۱)، تقریرات درس جرم‌شناسی (از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی)، جزوه درسی، تدوین: سکینه خانعلی‌پور و اجارگاه و مهدی قربانی.
۲۳. ----- (۱۳۸۴)، «بررسی لایحه مجازات‌های اجتماعی (متن سخنرانی در دانشگاه اصفهان)»، فصلنامه پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۲.
۲۴. نوروزی، نادر؛ جوانمرد، بهروز (۱۳۸۸)، بررسی جرائم خرد در حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۳، ش ۶۷.
۲۵. نوروزی، نادر (۱۳۸۴[الف])، «جرائم خرد علیه نظم عمومی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۸.
۲۶. ----- (۱۳۸۴ [ب])، سیاست جنایی در جرائم خرد و تأثیر آن بر احساس امنیت شهروندان با تکیه بر نظریه پنجره‌های شکسته، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

۲۷. ورزلی، امین (۱۳۸۸)، «مفاهیم، ابعاد و آثار حاکمیت قانون»، بولتن پژوهشی شماره ۹، مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی سازمان بازرسی کل کشور.

۲۸. یآوری، اسدالله (۱۳۸۸)، «رعایت اصل برائت در رسیدگی‌های شبه قضایی در حقوق فرانسه در پرتو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۹.

ب: لاتین:

۱. Lundman, Richad (۲۰۰۱), **Prevention And control Of Juvenile delinquency**.new York.oxford uviversity press.

۲. Dixon. David (۲۰۳), **Beyond zero tolerance**, ۳<sup>rd</sup> national outlook sympositm on crime in Australia: mapping the boundaries of australias criminal justice system.